

گزارشی

از موزه توس

پروین الهیان

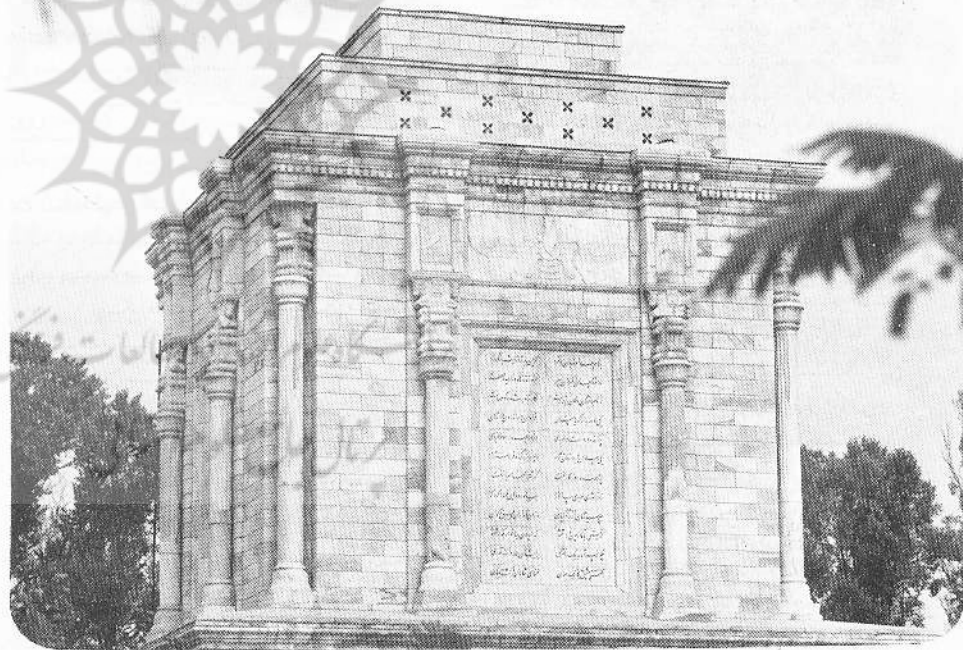
جلوه عرش است این درگه، کلاه از سربینه
وادی توس است اینجا موزه از بسایت بکن
مرفد اسناد توس است این، به خاکش جبهه‌سای
مدفن فردوسی است این، برزمینش بوسه زن

کهن ترین مأخذی که در رابطه با آرامگاه فردوسی، آن شاعر پارسی گوی نامی، سخن گفته، همان چهار مقاله نظامی عروضی سمرقندی است. وی در مقاله دوم کتابش، دیدار خود را از مقبره فردوسی، که یک قرن بعد از درگذشت شاعر گرامی صورت گرفته، چنین نقل می کند:

«... آن خیل به سلامت به شهر طبران رسید از دروازه رودبار اشتر در می شد و جنازه فردوسی به دروازه رزان بیرون همی بردند. در آن حال مذکوری بود در طبران، تعصب کرد و گفت من رها نکنم تا جنازه او در گورستان مسلمانان برند که او را فسی بود و هر چند مردمان بگفتند با آن دانشمند در نگرفت. درون دروازه، باغی بود ملک فردوسی، او را در آن باغ دفن کردند، امروز هم آنجاست و من در سنه عشر و خمسائه (۵۱۰ هـ. ق = ۱۱۱۶ م) آن خاک زیارت کردم».

از این گفته چنین استنباط می شود که ابتدا جنازه فردوسی به گورستان مسلمین که بیرون حصار شهر قرار داشته، حمل گردیده و به علت ممانعت آن مذکر دوباره به داخل حصار برگردانیده شده، و در باغ فردوسی دفن گردیده است. و این باغ، چنانکه خواهد آمد، در همان توسی است که شاعر سخن گستر، فردوسی توسی، به عنوان زادگاهش در شاهنامه به کزات از آن نام برده است.

توس که در قسمت شمال غربی مشهد فعلی واقع گردیده، شهری است نه چندان وسیع، اما از شهرهای مشهور این سرزمین به شمار می رود. این مطلب، دلیل بر این مدعاست که توس، شهری است که نام آورانی چون فردوسی توسی، خواجه نصیرالدین توسی، امام محمدغزالی و همچنین برادرش احمد غزالی را در دامن خویش پرورانده است. از دیدگاه تاریخی شهری است با سابقه ممتد تاریخی که یکبار دیگر به مناسبت تجدید بنای آرامگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی توسی، رونقی چشمگیر یافت.



محوطه آرامگاه

محوطه باغ آرامگاه مساحتی بالغ بر ۵۶۷۵۳ مترمربع را داراست. در مرکز باغ، آرامگاه فردوسی، با زیربنایی به وسعت ۹۴۵ مترمربع قرار گرفته است. نمای ظاهری ساختمان با پوششی از نوعی سنگ مرمر معروف به سنگ خلیج به چشم می خورد. در گرداگرد ساختمان ۱۲ ستون قرار دارد. در حد فاصل ستونها، کتیبه های سنگی، حاوی ابیاتی از اشعار فردوسی، که بر روی آن حک گردیده، زینت خاصی به آن بخشیده است. در حد فاصل درب ورودی و ساختمان آرامگاه، استخر بزرگی که بوسیله آبناها و فواره های زیبا مزین گردیده، قرار دارد. فضای سرسبز، باغچه های متعدد و گلکاری بی نظیر اطراف استخر، نظر هر بیننده ای را به خود جلب می نماید.

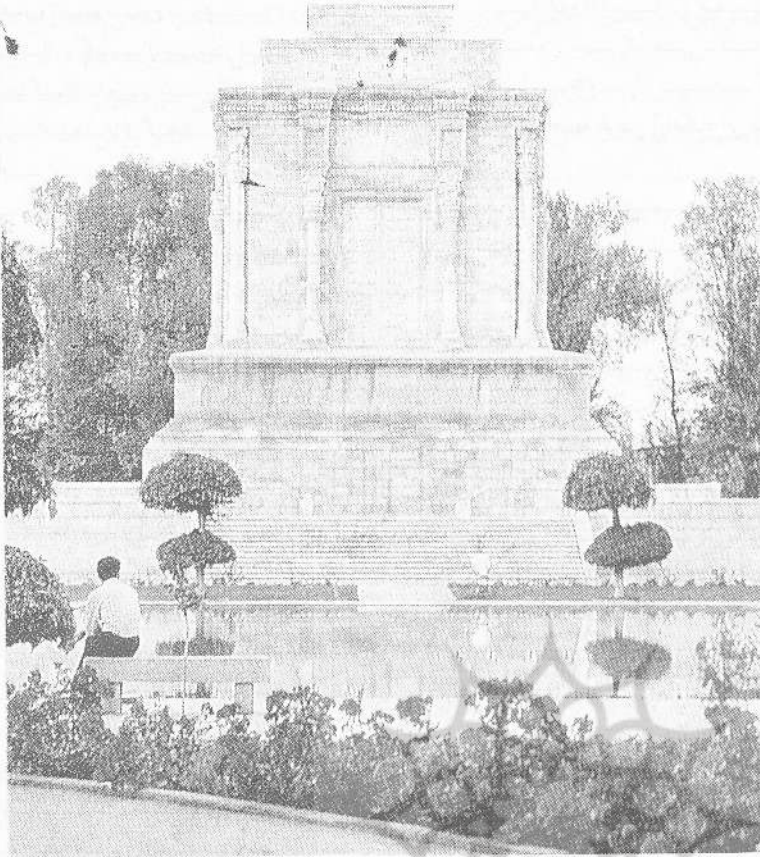
زردیک به درب ورودی، در قسمت جنوب شرقی باغ، کتابخانه تخصصی مجموعه آرامگاه قرار دارد. در این کتابخانه تعداد کثیری کتب و مقالات گوناگون در ارتباط با توس، موقعیت جغرافیایی و منطقه ای آن و همینطور وضعیت آرامگاه و غیره جهت استفاده علاقه مندان و محققین عرضه می گردد. در قسمت شرقی آرامگاه، موزه مجموعه آرامگاه ۱۱۲ اثر نفیس و ارزشمند را به تماشا می گذارد.

در قسمت غربی آرامگاه نیز همسانسازی جهت پذیرایی از مدعوین بنا گردیده است.

تندیس شاعر سخن سنج، فردوسی توسی، از سنگ یک پارچه مرمر، کار استاد مجسمه ساز، هنرمند برجسته، آقای ابوالحسن صدیقی، در قسمت شرقی باغ برپا است. (تندیس بوعلی در همدان و تندیس سعدی در شیراز نیز از آثار این هنرمند هستند). در انتهای باغ نیز ساختمانهایی برای آسایش دیدارکنندگان برپا گردیده است.

آرامگاه فردوسی

در سال ۱۳۰۵ گروهی از طرف انجمن آثار ملی مأموریت یافتند تا محل دقیق مقبره فردوسی را تعیین نمایند. پس از عزیمت به توس و بازدیدهایی که از مناطق مزبور صورت گرفت و با توجه به متون تاریخی به این نتیجه رسیدند که باغ ملکی متعلق به حاج قائم مقام التولیه همان باغ منتسب به فردوسی است. در وسط باغ نختگاهی وجود داشت که مردم آنرا به عنوان مزار فردوسی نام می بردند. همچنین اطاق خشتی مخروطی فاقد سقف در آن مکان دیده شد. سپس در محل مزبور مبادرت به خاکبرداری نموده و



نمای خارجی آرامگاه

محیط پیرامون آرامگاه ۳۰×۳۰ متری باشد، نمای ظاهری آرامگاه که به شکل آتشکده می باشد، دارای چهار ضلع به ارتفاع ۱۸ متر، طول هریک از اضلاع پایه بنا حدود ۱۶ متر و عرض آن ۸۰×۳۰ متر می باشد. بدنه و ایوان آرامگاه پوششی از نوعی سنگ مرمر معروف به سنگ خلیج دارد. ارتفاع پایه بنا به ۱/۵ متر می رسد که در قسمت بالا کمی به طرف داخل متمایل می گردد. در هر طرف نما ۳ ستون سنگی از جنس مرمر و جمعاً در گرداگرد آن ۱۲ ستون به ارتفاع ۵ متر موجود می باشد. در حد فاصل ستونهای آرامگاه الواحی از سنگ مرمر حاوی ۴۷ بیت شعر از اشعار فردوسی به چشم می خورد: در قسمت بام مقبره، دو سکوی سنگی به اضلاع ۱۰ متر و دیگری به اندازه ۶ متر قرار دارد.

اشعار ذیل از شاعر والامقام بلند مرتبه پارسی گوی، فردوسی توسی، به خط نستعلیق بر کتیبه سنگی جبهه جنوبی بنا، حک گردیده است: به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد

بقایای مقبره ای در آن مشخص گردید. در این مرحله بود که مکان واقعی آرامگاه آن سخن سرای گرانمایه معین گردید.

به منظور احداث آرامگاه، حاج قائم مقام التولیه باغ مذکور را که حدود ۲۳۰۰۰ مترمربع وسعت داشت به انجمن آثار ملی اهدا نمود، علاوه بر آن ۷۰۰۰ مترمربع از اراضی جنب باغ نیز توسط فرزندان ملک التجار هدیه شده و با زمینی به وسعت ۳۰۰۰۰ مترمربع، کار احداث آرامگاه آغاز گردید.

سپس سه نفر به نامهای ارنست هرتسفلد آلمانی و آندره گدار فرانسوی و آقای بهزاد طاهرزاده طرحهایی را برای احداث آرامگاه ارائه دادند و پس از تحقیقات لازم نقشه آقای طاهرزاده مورد تصویب انجمن آثار ملی قرار گرفت و در سال ۱۳۰۷ شمسی بود که کار احداث آرامگاه آغاز گردید.

آخر الامر ساختمان آرامگاه فردوسی در مهرماه ۱۳۱۳ ه.ش هم زمان با برگزاری کنگره هزاره فردوسی با حضور جمعی از اندیشمندان و سخنوران نامی ایرانی و خارجی شرکت کننده در این کنگره جهانی، آرامگاه حکیم سخنور توس افتتاح گردید.

خداوند کیهان و گردان سپهر
 فروزنده ماه و ناهید و مهر
 ز نام و نشان و گمان برتر است
 نگارنده پر شده گوهر است
 یکی نامه بُد از گه باستان
 فراوان بدو اندرون داستان
 پراکنده در دست هر موبدی
 از او بهره‌ای برده هر بخردی
 یکی پهلوان بود دهقان نژاد
 دلیر و بزرگ و خردمند و راد
 پژوهنده روزگار نخست
 گذشته سخنها همه باز جست
 ز هر کشوری موبدی سالخورده
 بیاورد و این نامه را گرد کرد
 بپرسیدشان از نژاد کیان
 و ز آن نامداران و فرسخ گوان
 که گیتی به آغاز چون داشتند
 که ایدون به ماخوار بگذاشتند
 چگونه سرآمد به نیک اختر
 برایشان همه روزه کن داوری
 بگفتند پیش یکایک مهان
 سخنهای شاهان و گشت جهان
 کتیبه جبهه شمالی آرامگاه نیز توسط این اشعار
 مزین گردیده است:

نوشته من این نامه پهلوی
 به پیش تو آرم مگر نغموی
 گشاده زبان و جوانیت هست
 سخن گفتن پهلوانیت هست
 شو، این نامه خسروان بازگویی
 بدین، جوی نزد مهان آبروی
 چو آورد این نامه نزدیک من
 برافروخت این جان تاریک من
 بپیوستم این نامه باستان
 پسندیده از دفتر راستان
 به اپیات نمراد دوره سی هزار
 مرآن جمله در شیوه کارزار
 من این نامه شهریاران پیش
 بگفتم بدین نغمز گفتار خویش
 همان نامداران گردنکشان
 که دام یکایک از ایشان نشان
 همه مرده از روزگار دراز
 شد از گفت من نامشان زنده باز
 چو عیسی من این مردگان را تمام
 سراسر همه زنده کردم به نام

بناهای آباد گردد خراب
 زیاران و از تابش آفتاب
 پی افکنم از نظم کاخی بلند
 که از یاد و باران نیاید گزند
همچنین در جبهه غربی آرامگاه این شعر آمده است:

چو بشنید از ایشان سپهبد سخن
 یکی نامور نامه افگند بُن
 چنان یادگاری شد اندر جهان
 برو آفرین از کهان و مهان
 چو از دفتر این داستانها بسی
 همی خوانند خواننده بر هر کسی
 جوانی بیامد گشاده زبان
 سخن گوی و خوش طبع و روشن روان
 به نظم آرم این نامه را گفت من
 ازو شادمان شد دل انجمن
 ز گشتاسب و رجاسب بیستی هزار
 بگفت و سرآمد بر او روزگار
 بر او تا سخن کرد ناگاه مرگ
 نهادش به سر بر یکی تیره ترگ
 برفت او و این نامه تا گفته ماند
 چنان بخت بیدار او خفته ماند
 دل روشن من چو بزرگشت ازوی
 سوی تخت شاه جهان کرد روی
 که این نامه را دست پیش آورم
 به دفتر به گفتار خویش آورم
 به شهرم یکی مهربان دوست بود
 تو گفتی که با من به یک پوست بود
 مرا گفت خوب آمد پس رای تو
 به نیکی خرامد مگر پای تو
در قسمت شرقی آرامگاه این ابیات از حکیم توس به چشم می خورد:

بدین نامه بر عمرها بگذرد
 بسخواند هر آنکس که دارد خرد
 جهان کرده ام از سخن چون بهشت
 ازین بیش تخم سخن کس نکشت
 بسی رنج بردم در این سال سی
 عجم زنده کردم بدین پارسی
 زمانم سرآورد گفت و شنید
 چو روز جوانی به پیبری رسید
 رخ لاله گون گشت بر زمان ماه
 چو کافور شد رنگ ریش سیاه
 ز پیبری خم آورد بالای راست
 هم از نرگسان روشنایی بکاست

کنون عمر نزدیک هشتاد شد
 امیدم به یکباره بر باد شد
 سرآمد کنون قصه یزید گورد
 به ماه سپندارمه روز آرد
 ز هجرت شده پنج هشتاد بار
 که گفتم من این نامه شهریار
 چو این نامور نامه آمد به بُن
 زمن روی کشور بشد پر سخن
 هر آنکس که دزدش و رای و دین
 پس از مرگ بر من کند آفرین
 نمیرم ازین پس که من زنده ام
 که تخم سخن را پراکنده ام
همچنین بر پایه بنا این نوشته با خطی بسیار زیبا بر روی لوحی از سنگ حجاری شده است:

«... همواره بر بلند ساختن نام ایران و ایرانیان است
 چون حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی به واسطه نظم
 کتاب شاهنامه، زبان و تاریخ قومیت ایرانیان را زنده و
 پاینده نموده است، تجلی و تکریم نام نامی آن بزرگوار
 منظور نظر گردید، پس جمعی از پروردگان، تشکیلات
 جمعیتی به نام انجمن آثار ملی داده بودند، پس این بنا را
 بر روی مدفن فردوسی بر پا ساخته، به قرآنی که در
 دست است می توان یقین کرد که در این سنوات از زمان
 ولادت آن سخن سنج یگانه هزارسال تمام شمس
 می گردد، در موقع انجام این بنا که در سال ۱۳۱۳ ه.ش
 روی داد بساط جشن هزارساله فردوسی گسترده شد و
 بسیاری از دانشمندان جهان در آن جشن فرخنده شرکت
 جستند و نفس نفیس از حضور خود در جشن و در این
 مکان روان تابناک فردوسی را شاد و جور و جفایی را که
 از طرف ابیای زمان درباره آن سخن جبران فرمودند.»

بازسازی آرامگاه

با وجود تمام تلاشها و زحماتی که برای ساختمان
 آرامگاه کشیده شد، در اثر عدم اطلاعات کافی در
 زمینه آزمایش خاک و سنگینی بنای عظیم (با وجود
 ۱۸ متر ارتفاع) و همینطور آبهای زیرزمینی منطقه
 توس، ناپایداری بنای آرامگاه در همان سالهای اولیه
 ظاهر گردید.

پس از مشورت با جمعی از اهل فن، انجمن آثار
 ملی بر آن شدند تا بنا را از نو بسازند البته با این شرط
 که وضعیت نما و ستونها و همینطور کتیبه ها دست
 نخورده باقی بماند در ضمن این بازسازی صحنه‌هایی
 از داستانهای پهلوانی و حماسی شاهنامه بر دیواره‌های
 آرامگاه تعبیه گردید.

سپس توسعه باغ آرامگاه منظور نظر گشته و آفتابان

ساختمان لوحی است متضمن انقلاب کاوه آهنگر بر علیه ضحاک ستمکار. تمامی حجارهای ظریف و دیدنی حاصل کار هنرمند بنام آقای پورجعفری است. شرح تمامی این نقوش به خط نستعلیق خوشنویس نامی، آقای زرین خط بر لوحه‌های برنجین نگاشته شده است.

درحد فاصل الواح سنگی، سنگ نوشته‌ای از جنس مرمر، به اندازه $1 \times 1/5$ متر، نظر هر تماشاگری را به خود جلب می‌کند. ابیات ذیل شروع قصیده‌ای است از استاد جلال الدین همایی که به مناسبت اتمام احداث ساختمان آرامگاه سروده شده و به خط نستعلیق تفریر شده است:

ای صبا، ای پیک مشتاقان، پیامی بر زمن
سوی توس آن سرزمین نامداران زمن
پرورشگاه امامی چون محمد، زین دین
زادگاه خواجه ای همچون قوام‌الدین حسن
وان نصیرالدین، حکیم هوشمند بی‌همال
وان ابوجعفر، فقیه پیشوای مؤمن
شست و شوئی کن به آب رودبار طاباران
پس بدان سوشو که باشد کعبه اهل سخن
مرقد استاد توس است این، به خاکش جبهه‌سای
مدفن فردوسی است این، بر زمینش بوسه زن

موزه توس

آنچه که توسط باستان‌شناسان در حفاری و کاوش‌ها بدست می‌آید، روشنگر زوایا و فضاهایی از زندگی و تمدن نسل‌های گذشته است. ریشه و سرچشمه تمدن، فرهنگ، هنر، تجربه و اندیشه بشر امروز را در حقیقت باید در این آینه‌ها جستجو نمود. اشیاء موجود در موزه فردوسی نیز، مارا با گوشه‌ای از فرهنگ و تاریخ زمان زندگی فردوسی آشنا می‌سازد. موزه فردوسی که در قسمت غربی محوطه باغ قرار دارد، از سال ۱۳۶۱، محتوی ۱۱۲ اثر نفیس، برای بازدید عموم، رسماً آغاز به کار نمود.

گذری بر آثار

اشیاء به نمایش گذاشته شده در موزه «مجموعه آرامگاه فردوسی» به چهاربخش مختلف و به شرح زیر تقسیم بندی می‌گردد: ۱- بخش پژوهشی ۲- بخش اشیاء هم دوره وهم زمان با فردوسی ۳- بخش اشیاء موضوعی ۴- بخش آثار اهدایی. در یک تقسیم بندی کلی اشیاء داخل موزه را، ظروف سفالین منقوش، ظروف شیشه‌ای، فلزی،

بر روی سنگ گور شاعر نامی، با خط نستعلیق و حاشیه‌ای تزئینی، این سطور به چشم می‌خورد:

بنام خداوند جان و خرد

«این مکان فرخنده، آرامگاه استاد گویندگان فارسی زبان و سراینده داستانهای ملی ایران حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی است که سخنان او زنده کننده کشور ایران و مزار او در دل مردم این سرزمین جاویدان است. تاریخ تولد ۳۲۳ هـ. ق. تاریخ وفات ۴۱۱ هـ. ق. تاریخ بنای آرامگاه ۱۳۵۳ هـ. ق.»

در گرداگرد مدفن فردوسی ۲۰ ستون مرمر در قسمت پایین و ۸ ستون نیز در قسمت فوقانی آن قرار دارد.

طرزهای تزئینی و کاشیکاریهای معرق درون آرامگاه از ادوار مختلف باستانی ایران که متضمن داستانهای از شاهنامه است، الهام گرفته‌اند. ساختمان آرامگاه توسط ۴۰ عدد چراغ سنگی روشن می‌گردد. قسمت داخل ساختمان آرامگاه تشکیل شده از چهار دیوار بلند مشبک بوسیله سه ستون سنگی از یکدیگر جدا می‌شوند.

در قسمت بالای هر دیوار ۱۱ نورگیر قرار دارد هر چه به سمت بالا می‌رویم، تزئینات با کاشیهای معرق و مقرنس، بعد چشمگیری می‌باشد و در انتها به سقف یکپارچه‌ای از سیمان و گنبدی شکلی منتهی می‌گردد. نکته قابل توجه در این تزئینات این است که سعی شده در آن از نمونه‌های تزئینات معماری عهد غزنوی یعنی دوران زندگی آن دانشمند بلند پایه ایران، استفاده شود.

بر روی دیواره‌های محوطه داخلی آرامگاه نقوش برجسته سنگی قرار دارد که توسط آقای فریدون صدیقی فرزند استاد هنرمند ابوالحسن صدیقی ساخته شده است. دو قطعه نقش برجسته در سمت جنوبی ساختمان قرار دارد. بر روی اولین لوح سنگی صحنه‌های: زال در بناه سیمرخ، جنگ زال با شیر، به کمند گرفتن رستم رخس را، جنگ رستم با اژدها و کشته شدن اژدها، به کمند افتادن زن جادوگر بدست رستم، جنگ رستم با دیوسفید، حجاری گردیده است.

بر دومین قطعه سنگ، نقش برجسته موجود، تصاویری است مشتمل بر: رفتن رستم به نزد شاه مازندران، جنگ رستم با پیل تن مازندران، جاره جوشی رستم از سیمرخ برای شکست اسفندیار، آوردن رستم تیر دوشاخ را از جنگل، جنگ رستم با اسفندیار و پیروزی رستم. در انتها، بر دیواره میانی و در سمت شرقی

موسی و عیسی مشار، فرزندان برومند شادروان قائم مقام التولیه، آقای ملک، اراضی مورد نیاز را برای نوسه باغ و جلوه هر چه بیشتر آن اهدا نمودند. بازسازی آرامگاه از سال ۱۳۴۳ هـ. ش در مسافتی بالغ بر ۱۷۵۳ مترمربع، توسط معمار و طراح هنرمند، مهندس هوشنگ سیحون طراحی و اجرا شد و مدت چهار سال به طول انجامید.

افتتاح مجدد آرامگاه در اردیبهشت سال ۱۳۴۷ هـ. ش صورت گرفت.

درب ورودی مقبره از جنس آهن است که در آن قطعات شیشه‌ای کار شده و دارای نمایی از برنز است که در قسمت تحتانی دو رشته پله (از شمال به جنوب و از جنوب به شمال) واقع گردیده است.

در قسمت فوقانی درب ورودی این اشعار با خط نستعلیق جلوه گر و زینت بخش آن می‌باشد:

جلوه عرش است این درگه، کلاه از سربینه
وادی توس است اینجا موزه از پایت بکن
مرقد استاد توس است این، به خاکش جبهه‌سای
مدفن فردوسی است این، بر زمینش بوسه زن
بر دیواره پلکان شمالی آرامگاه سه قطعه سنگ حجاری شده با مضامین داستانهای حماسی و پهلوانی شاهنامه، نظر هر بازدید کننده‌ای را به خود جلب می‌کند:

۱- آمدن پادشاه هندوستان به دربار شاهنشاه ایران.

۲- دو نفر از اسپهبدان در حضور شاهنشاه ساسانی.

۳- نقش برجسته دار بوش بزرگ. سه لوح سنگی دیگر بر روی دیواره پلکان جنوبی آن، با این عناوین دیده می‌شود:

۱- بیکار رستم.

۲- جنگ دلاوران ایران و توران.

۳- نقش برجسته رستم و سهراب.

محوطه داخلی ساختمان

مساحت زیر بنای آرامگاه ۹۰۰ متر مربع می‌باشد. در مرکز تالاری پوشیده از سنگ مرمر، مقبره آن شاعر بلند مرتبه قرار گرفته است. مقبره به صورت دوسکوی سنگی که بر روی هم قرار گرفته می‌باشد. سکوی اول آن به ضلع ۵ متر و به ارتفاع ۲۰ سانتیمتر و سکوی دیگر آن به اندازه $2/5$ متر با ارتفاع ۲۰ سانتیمتر از سطح اولی است. بر بالای این دوسکوی سنگ قبر یکپارچه‌ای از مرمر به اندازه $1/5 \times 1$ متر با ارتفاعی نزدیک به $0/5$ متر می‌باشد.

تعدادی کاشی و همینطور چند عدد سکه طلا و نقره، آلات و ادوات رزمی مرتبط با دوران زندگی فردوسی و در آخر چند تخته قالیچه، تابلو، ظروف نقره قلمزنی و شاهنامه خطی، اهدائی علاقه‌مندان و بازدید کنندگان از موزه توس، تشکیل می‌دهد.

در ابتدای ورود به موزه، شاهد قالیچه‌ای بانصورت فردوسی می‌باشیم که رنگ ملایم فرش و تصویر باشکوه فردوسی نظر هر بیننده‌ای را بخود جلب می‌نماید. اندازه این فرش ۱/۳۷×۲/۰۲ می‌باشد. این فرش بافت کاشان، دارای ۴۲ رج می‌باشد. تار و پود آن از بنه، پرز، پشم و ابریشم بافته شده که جلوه خاصی به این شی موزه‌ای داده است.

حاشیه فرش با طرح‌های اسلیمی، تصویر فردوسی را در حالیکه شاهنامه بدست دارد، در بر گرفته است و در قسمت پایین فرش با ظرافت خاصی نگاشته شده: «حکیم ابوالقاسم فردوسی طوسی سخن سرای نامی ایران».

بخش پژوهشی

در این بخش، نمونه‌های مطالعاتی و اشیاء و تصاویر حاصله از کاوش‌های باستان‌شناسی در شهر قدیم توس معرفی و عرضه گردیده است. این بخش از موزه شامل نمونه‌های مطالعاتی سفالینه‌ها و قطعات مکشوفه از کاوش‌های باستان‌شناسی توس می‌باشد. هر یک از این آثار، متعلق به سده سوم و چهارم هجری، به نوعی بازمان زندگی فردوسی مرتبط اند.

در این قسمت از موزه ظروف سفالین، کاسه‌های منقوش لعابی با طرح‌های اسلیمی، پیه‌سوزهای سفالی، ظروف سنگی و تعدادی سکه‌های طلا و نقره متعلق به قرن هفتم هجری به نمایش گذاشته شده است.

به عنوان مثال، بر لبه یکی از کاسه‌های لعابی به رنگ کرم، متن کتیبه کوفی «الین» نگاشته شده که به معنای میمنت و مبارکی است. این ظرف در نیشابور کشف گردیده و حامل پیام مشخصی می‌باشد.

بر دیواره‌های غرفه، نقشه کاوش‌های انجام شده در شهر قدیم توس: پل قدیمی دوره سلجوقی توس بر روی کشف رود، تصویر میل برجی شکل اختگان متعلق به مقبره خواهرزاده گوهرشاد خاتون، «باز»، زادگاه حکیم ابوالقاسم فردوسی و قلعه تاریخی آن، تصویر ایوان جنوبی هارونیه از یکصد سال پیش که از مطلع الشمس گرفته شده، نقشه عرصه و حریم تاریخی توس و بالاخره تصاویری از مناطق مختلف

باستانی توس که در آنها حفاری انجام گرفته و توسط دکتر موسوی، طراح و هنرمند، تهیه گردیده، بر دیواره محفوظه‌ها به چشم می‌خورد.

بخش اشیاء و آثار هم دوره و هم زمان با فردوسی

این بخش که شامل کهن‌ترین اشیاء موزه می‌باشد مشتمل بر سفالینه‌ها و شیشه‌ها، فلزها و عناصر معماری و سکه‌های طلا و نقره‌ای است که بازگویی زمان و شیوه زندگی قرون چهارم و پنجم هجری یعنی زمان فردوسی می‌باشد.

الف - سفالینه‌های لعابدار و نقش دار و خط دار دوره اسلامی از اواخر قرن چهارم تا ششم هجری که عمدتاً از خطه نیشابور و مناطق اسلامی کشف گردیده است. بر روی سفالینه‌های مکشوفه از نیشابور، تصاویری در نهایت زیبایی کار شده که هر کدام از آنها حاوی پیام مشخصی است مثلاً حرکت و چرخش چهره و نقوش بر روی ظروف از سمت راست به چپ می‌باشد و این علامت مشخصه‌ای است که می‌توان ظروف متعلق به نیشابور را از دیگر ظروف تمیز داد.

- کاسه سفالی (قرن چهارم) دارای خطوط کوفی به رنگ آبی، محل کشف نوخندان دره گز.



- کاسه منقوش سرمه‌ای رنگ با نقوش آجری (قرن سوم و چهارم)، دارای متن کتیبه کوفی «التر حروان مَسَّهُ الضَّرُّ» (آزاده مرد همواره آزاد است هر چند که دچار سختی شود).

- ظروف سفالی مکشوفه از زینی یا بیرجند، کرند و بشرویه در اندازه‌ها و شکل‌های متفاوت.

- کاسه مرمری متعلق به هزاره قبل از میلاد، برنگ شیری که در روستای کرند بشرویه و یا فردوس بدست آمده.

- تعدادی سفال به رنگ سیاه، بدست آمده از حصار دامغان که به علت مرور زمان به رنگ سیاه درآمده‌اند.

- ظروف سفالی قالبی استامبی (فشاری) که توسط دوقالب و به روش زیر ساخته می‌شوند:

درون یک خانه آن که در زیر قرار داشت سفال می‌ریختند، سپس قالب دیگری که دارای نقوش حک شده بود، بر روی آن گذاشته و فشار می‌دادند (قرن ششم). روش کار و ساخت این ظروف به وسیله دو خمیر سفال منقوش که از مدرسه دودرب کشف شده، به تماشاگران عرضه می‌شود.

- در پایان غرفه یک آبخوری سفالی (قرن نهم) بسیار بزرگ، نظر هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌کند که مکشوفه از منطقه تایباد می‌باشد و به شکل

بخش اشیاء موضوعی

این بخش شامل جنگ افزارها، سلاحها و زین ابزارهایی است که بازگوی روح حماسی و پهلوانی قهرمانان شاهنامه اند.

همانطور که می دانیم ادوات موسیقی دودسته اند قسمت اول ادوات رزمی مثل کرنا، دهل، کوس که در میدان جنگ و کارزار و عزا و تعزیه بکار می رود و قسمت دوم آن، ادوات بزمی شامل سازهای ضعیف ایرانی (سه تار، کمانچه، تار...) می شود.

در این بخش از موزه، ابتدا آلات موسیقی رزمی و در ادامه آن ادوات رزمی مربوط به دوران فردوسی و بعد از آن، بر روی پایه هایی فلزی، شبیه بدن آدمی، سوار می باشد. یکی از اشیاء به نمایش گذاشته شده در این قسمت، شمشیری است متعلق به عصر حاضر، کار اصفهان که با زبردستی هر چه تمامتر نقوشی بر آن حک گردیده و هدف از نمایش این شیء، آشنا کردن بازدید کنندگان با ادوات رزمی آن دوره است.

اشیاء دیگر این غرفه عبارتست از: کمان روغنی نقشدار با متن کتیبه ای به شیوه خط نستعلیق که از «کمان چاچی» در شاهنامه، اقتباس گردیده و حالت ارتجاعی آن سبب کیفیت هر چه بیشتر آن شده. تبر قزاق زینی- سپری از پوست کرگدن با این خاصیت که، با کمی آغشته شدن به روغن، در برابر برق و گرما و رطوبت مقاوم شده و خشک نمی گردد و در این وضع، شمشیر نیز به آن کاری نیست.

- کلاه خودی که بر روی آن دیوی منقوش شده و همینطور گریزی که سر آن به شکل گاو می باشد (کله گاوی) واز کلاه و گرز رزم رستم اقتباس گرفته است.

در قسمت میانی غرفه روزینی (جُل) اسب به چشم می خورد که بر روی مخمل سُرمه ای تقریباً کارکرده ای به صورت بنه جقه برجسته با حاشیه یراق و رودوزی طلایی کار شده است. در این ویتترین یک روزینی است که به طرز زیبایی زری دوزی شده دارای نقش گل و پرند بر زمینه لاکمی می باشد.

- در قسمت دیگر شاهد یک زین ترکمنی از عاج فیل و چرم هستیم. بعد از آن زین دیگری وجود دارد که بوسیله نقاشی تزیینی با آب طلا به طرح خاتم مزین گردیده و در اطراف آن نیز تزیینات استخوانی وجود دارد.

به طور مجمل اشیاء موجود در این بخش عبارتند از: شمشیر، سرنیزه، پیکان، خنجر، کمانچه نقشدار، سیرهای مختلف، تبر زین با نقوش و خطوط حکاکی

بخشی از موزه به آثار نقاشی استاد هنرمند آقای علی رخساز اختصاص دارد. آقای رخساز، یکی از نقاشان منحصر به فردی است که ۲۰ سال از عمرش را صرف کشیدن ۳۴ تابلو از تصاویر حماسی و پهلوانی شاهنامه نموده است.

د - انواع ظروف فلزی دوره اسلامی متعلق به قرن چهارم تا ششم هجری:

اکثر این ظروف، به طرز دقیقی توسط هنرمندان کارگاه میراث فرهنگی استان خراسان مرمت شده اند. این ظروف عبارتند از: هاون برنجی، قرن ششم، محل کشف بیرجند. سیمرغ مفرغی دارای نقوش و خطوط کوفی، قرن ششم و هفتم مکشوفه از گلمکان، بیرجند، بجنورد، سبزوار- تشت مفرغی با نقش حیوانات و خطوط کوفی در حاشیه، قرن هفتم، مکشوفه از نهبندان بیرجند. ظرف آب مفرغی با نقش برجسته شیر و دایره خطوط کوفی، قرن هفتم، کشف شده از زینی بیرجند. تشت کنگره ای مفرغی نقره کوب، قرن ششم، محل کشف گلمکان مشهد. ظروف مفرغی منقوش شامل: گلاب پاش با دسته ای به شکل حیوان، پایه شمع، بشقاب، تنگ باتزئینات نقش برجسته، عود سوز کشف شده از سبزوار، تعدادی اسطرلاب در قسمت میانی این بخش. تمامی این اشیاء مربوط به قرن چهارم تا ششم هجری می شوند.

ه - انواع سکه های طلا و نقره در ادوار مختلف اسلامی مربوط به قرن دوم تا پنجم هجری:

سکه ها متعلق به دوره طاهریان، ساسانیان، آل بویه، غزنوی و... می باشند و بر روی آنها خط کوفی زیبایی حک شده است. به علاوه برای استفاده علاقه مندان، تصاویر و مشخصات آنها بر دیواره غرفه ها به چشم می خورد.

و - در انتهای این بخش از موزه دو برگ از قرآن کریم که بر روی پوست آهوب با خطوط کوفی و بدون نقطه تحریر شده است، مربوط به قرن چهارم موجود می باشد. علاوه بر آن یک جلد کلام الله مجید به خط کوفی مربوط به همان دوران با جلد چرمی و طلا کوب زینت بخش این بخش از موزه است.

کوزه ای است که در سران بادگیری وجود دارد، در چهار طرف آن نیز سوراخهایی برای جریان یافتن هوا در نتیجه خنک ماندن آب، تعبیه گردیده. در قسمت تحتانی آن، محلی برای برداشتن آب در نظر گرفته شده و بدین ترتیب هر زمان از آن آب بر می داشتند به همان اندازه، درونش آب می ریختند و سعی می کردند که همیشه آب در همان حد مشخص - که به وسیله خطی در میان تزیینات کوزه در گرداگرد آن تعیین شده بود - باقی بماند.

تمامی این ظروف سفال و خاک خورده دنیایی را در خود نهفته دارند، دنیایی پر از رمز و راز که نوع زندگی و تمدن و فرهنگ آن زمان و آن دوره را تا حدی بر ما معلوم می سازد.

ب - کاشی های ادوار مختلف اسلامی از قرن چهارم تا سیزدهم هجری:

- یک قطعه کاشی زرین فام از بناهای تاریخی خراسان.

- چند عدد کاشی زبرنگی مکشوفه از مدرسه میرزا جعفر.

- چند نمونه کاشی زبرنگی از بناهای تاریخی خراسان.

- دو نمونه شبکه سنگی معرق با نقشهای گل و بوته.

- چند نمونه کتیبه سنگی به خط کوفی متعلق به قرن ششم که از منطقه خواف بدست آمده.

ج - شیشه های ادوار مختلف اسلامی از قرن چهارم تا ششم هجری:

- تعدادی اشیاء شیشه ای باقی مانده از آن دوران، شامل: کاسه، شاخ حجامت، گلدان، صراحی و عطردان که اکثراً از منطقه گرگان کشف گردیده است.

شده، سپر از پوست کرگدن، با شش گل میخ تزئینی، ساعد بند فولادی نقشدار طلا کوب، ساعد بند با نقوش تزئینی دوره تاریخی سیزدهم و چهاردهم هجری قمری، کلاه خودهای سرگاو که در دوران جدید ساخته شده، یک زره و کلاه - بود به انضمام گرز قدیمی، یک شمشیر از دوران قدیم متعلق به قرن ششم. و در ویرین بعدی با انواع شلاقها، مگس پران، روزینی، زین، دهنه و رکاب اسب روبروی شوم. لازم به یادآوری است که در این غرفه سعی شده تا تمام ادوات رزمی و بزمی کاملاً ایرانی باشد.

بخش آثار اهدایی

شامل اشیاء اهدایی که از تاریخ تشکیل اولین کنگره فردوسی و تأسیس آرامگاه وی، توسط علاقه‌مندان و هنرمندان و فرهنگ‌دوستان تهیه و جهت نگهداری به موزه مجموعه آرامگاه فردوسی هدیه شده است.

در این بخش به اشیاء متنوعی که دست پرورده هنرمندان و استادان عصر می‌باشد بر می‌خوریم که ذکر تمامی شان ممکن نمی‌باشد، بهمین دلیل به چند نمونه از آن بسنده می‌کنیم:

- یکی از تابلوهای نقاشی که از نفیس‌ترین اشیاء موزه است، اثر استاد هنرمند آذربایجان می‌باشد و در سال ۱۳۵۲ به موزه اهدا گردیده، در این تابلو، هنرمند با استفاده از رنگ روغن بر روی بوم چهره فردوسی را در حالتی روحانی به تصویر کشیده و می‌توان گفت نزدیکترین تصویر به چهره فردوسی است: نکته جالب توجهی که مبین ظرافت و زیبایی این اثر می‌باشد، این است که تماشاگر به هر سمتی که می‌گردد. چشمهای فردوسی نیز به همان جهت نگاه می‌کند و به این دلیل است که زاویه دید تصویر با چشم بیننده ۵° فرق می‌کند و از هر زاویه‌ای که نظر بیننده را به خود جلب کند او نیز تغییر می‌یابد. این تابلو به مدت ۶ ماه در موزه لوور فرانسه به نمایش گذاشته شده بود، سپس به موزه رضاعباسی منتقل گردید. لازم به ذکر است که این تنها تصویری است که اجازه یافته در سال ۱۳۶۹ به عنوان تمبر یاد بود هزاره تدوین شاهنامه منتشر گردد.

- پارچه قلمکار اهدایی اصفهان، که نقش پادشاهان پیشدادی کیانی - از شخصیت‌های شاهنامه جلوه خاصی به آن داده است. اسامی هر یک از آنها در کنارشان نوشته شده و با برگ و گل تزئین شده است.

- پرده فلادوزی هدیه دانش‌آموزان رشت در سال ۱۳۱۶، بانقش آرامگاه فردوسی و در قسمت پایین آن

نقش سیمرخ و در طرف دیگر آن شاهنامه و دوبیت از اشعار فردوسی که زینت گران می‌باشد، به چشم می‌خورد.

- قالیچه‌ای بسیار زیبا که بر دیواره ویرین جلوه گر می‌باشد، دارای تصویری برجسته از مجلس شاهنامه خوانی است، بافنده آن استاد هنرمند آقای رضائی می‌باشد. ناگفته نماند جنس فرش از ابریشم الوان و سبک بافت آن ترکی بافت و محل بافت تبریز می‌باشد.

- تابلوی مینیاتوری از آقای باسط راد که صحنه کشته شدن سهراب بدست پدرش رستم را به صورت کاملاً واقعی به تصویر کشانده و در آن از رنگهای ملایم و دلنوازی استفاده شده که هر بیننده‌ای از تماشای آن متأثر می‌گردد (۱۳۴۳ ه.ش).

- قالیچه بافت کرمان، حامل تصویری از شاهنامه: فردوسی با کلاه و سپر و شمشیر (که نشان‌دهنده رسیدن مردی به کمالات پارسی است) در حالیکه شاهنامه در دست دارد و در یکطرف آن گاو ایستاده که به فرمان اهورمزدا و به دست خورشید کشته شده و ریختن خورش بر زمین سبب رویش گل و گیاه گشته. در قسمت بالای قالیچه تصویر به آتش کشیدن تخت جمشید را نشان می‌دهد، نقوش قالیچه حاکی از حقیقتی است و نمایانگر این مطلب است که اسکندر هیچ نقشی در آتش زدن تخت جمشید نداشته است.

- پرده فلادوزی با نقش طاووس در طرفین و به سفارش آقای حیدرزاده می‌باشد، اهدایی دانش‌آموزان دارالفنون در سال ۱۳۱۶ هزارمین سال تولد فردوسی به آرامگاه توس.

- نسخه خطی شاهنامه فردوسی معروف به امیر کبیر (سفارش چاپخانه امیر کبیر) به خط استاد جواد شریفی، تذهیب و تشعیر استاد اسلامیان، نقاشی مینیاتور آقای بهرامی و تصاویر سیاه قلم کار آقای معصومی، به وزن ۷۳ کیلوگرم و تعداد صفحات ۱۲۰۰ صفحه، به قطع ۵۰×۷۰ متعلق به دوره تاریخی معاصر که در یک برگ آن دو ستون شعری و در صفحه مقابل نقاشی مینیاتوری از حکایت‌های شاهنامه است.

- شاهنامه چاپی بایسنغر به زبانهای انگلیسی، آلمانی و فرانسه از روی شاهنامه بایسنغر میرزا از نوادگان تیمورلنگ پسر شاهخ میرزا (خطاط) که یکی از شاهکارهای جهان بشمار می‌آید.

- آلات و ادوات تحریر و کتابت شامل قلم، قلمدان، ادوات و...

- شاهنامه خطی به خط نورالله بن فضل اسحق بن لطف‌الله الحسنی (۹۳۴ ه.ق) که در میان هر صفحه آن چهار ستون خطی و در حاشیه، اشعاری به صورت مورب آورده شده است.

- تصویر برجسته فردوسی بر روی کاشی.

- یکسری ظروف فلزین نقره که در بین سالهای ۱۳۱۳-۱۳۰۰ به موزه اهدا گردیده.

- و بالاخره قوطی خاتم، شمعدان، ساعت، جمبه‌ای چرمی کار سنندج، سینی گل برجسته منبت کاری شده و همینطور صندوقی تهیه شده از عاج اهدایی سفیر روس به موزه و در انتها تعدادی تمبر که به مناسبت یادبود هزاره تدوین شاهنامه به چاپ رسیده است.

در پایان قابل ذکر است، بخشی از موزه به آثار نقاشی استاد هنرمند آقای علی رخساز (متولد ۱۲۸۵ ه.ش - متوفای ۱۳۶۸ ه.ش) اختصاص دارد. آثار موجود در موزه مشتمل بر: جنگ رخساز رستم با شیر، کشته شدن سهراب بدست رستم (۱۳۳۳)، جنگ رستم با خاقان چین (۱۳۲۰)، کشته شدن رستم بدست برادرش شغاد، جنگ رستم با اژدها از شاهکارهای ایشان است که به واقع تجسم غم‌انگیزترین صحنه‌های شاهنامه را ممکن می‌سازد.

استاد برجسته ونامی، آقای علی رخساز، یکی از نقاشان منحصر به فردی است که ۲۰ سال از عمرش را صرف کشیدن ۳۴ تابلو از تصاویر حماسی و پهلوانی شاهنامه نموده است. وی از شاگردان شایسته استاد کمال الملک نقاش بنام ایران می‌باشند.

بخش جنبی:

در سمت راست موزه، غرفه فروش کتاب، نشریات و بوستر واقع گردیده که کتابهای راجع به توس و همچنین آرامگاه حکیم فردوسی توسی، را در اختیار علاقه‌مندان و بازدید کنندگان موزه قرار می‌دهد.

امید است که آیندگان نیز در بزرگداشت سخن سرای نامی، فردوسی توسی، که درود بر وانش باد، بکوشند و هنگامی که از نقاط مختلف این مرز و بوم به دیدار او می‌آیند، در این شاعر بزرگ منش بیشتر تأمل کنند و به بزرگی و ارجمندی سخن شناس نامی بیشتر بیاندیشند.

در پایان مجله آشنا، از همکاری مدیریت محترم و مسئول موزه، آقای میرزائی، که ما را در تهیه این گزارش فرهنگی - هنری یاری نمودند، تشکر می‌نماید.